

قدرت نرم و سایبری؛ کارکرد آن در جمهوری اسلامی ایران

محسن نجفی*

حسین پوراحمدی**

چکیده

رسانه‌های جدید ارتباطی به عنوان ابزارهای استراتژیک «قدرت نرم»، به یکی از مهم‌ترین مولفه‌های برتری سیطره سیاسی و فرهنگی تبدیل شده‌اند. در این ارتباط جمهوری اسلامی ایران در معرض انواع برنامه‌های ماهواره‌ای و سایبری قرار گرفته که این امر منجر به خلق رویدادها و تغییراتی در ابعاد سیاسی، اجتماعی کشور شده است. سوال این است که قدرت نرم و رسانه‌های مدرن، چگونه در این تقابل به کارگرفته شده و چه پیامدها و تغییراتی در جنبه‌های اجتماعی و سیاسی حادث شده است؟ در این مقاله با شناسایی این رویدادها و تغییرات، مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم، چگونگی کارکرد، نقاط حساس - اثرگذاری و نتایج به‌کارگیری این ابزارها در گستره اجتماعی، سیاسی و امنیتی ایران را بررسی شد. به تصور نگارنده «فرامدرنیسم» و «روش‌شناسی پست مدرن» با توجه به مولفه‌های مورد تاکید مثل «فرو ریختن قطعیت‌ها»، «شالوده‌شکنی»، «توجه به انواع متفاوت قدرت، هویت و گفتمان» و «ارایه تصویری سیال و فاقد مرکز از قدرت و شبکه‌ای شدن آن» با نتایج حاصله از «انقلاب ارتباطات و گسترش فضای سایبر» بهتر هم‌خوانی دارد. یافته‌های این پژوهش موید آن است که فضای سایبری و شبکه‌های ماهواره‌ای تغییرات ژرف و گسترده‌ای را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ایران ایجاد کرده است که مدیریت آنها نیازمند راهبردهای ویژه‌ای در شیوه حکمرانی و سیاستگذاری است.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، najafi1344@yahoo.com

** استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ho_pourahmad@yahoo.co

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، ابزارهای سایبری، فضای سایبر، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

به‌طور کلی قدرت نرم، برآیند تصویرسازی مثبت و ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بردیگران و مولفه‌هایی از این نوع در برابر مفهوم قدرت سخت یا قدرت نظامی قرار می‌گیرد. لازمه کسب و حفظ هژمونی، «قدرت نرم» است. این عبارت طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ در مقابل پیش‌گویی‌هایی مطرح شد که معتقد بودند با پایان جنگ سرد، هژمونی آمریکا در جهان زوال می‌یابد. «پاول کندی» معتقد بود که در غیاب یک دشمن قدرتمند، منافع و رفتارهای ایالات متحده در سطح جهان با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد. لذا هزینه-فایده اقدامات خارجی آن، دیگر مقرون به صرفه نخواهد بود. اما در مقابل، «جوزف نای» معتقد است که مفهوم قدرت در حال تغییر است و از قدرت سخت مبتنی بر عناصر مادی و عینی به سمت عناصر معنایی، تولید فرهنگی و قدرت جذابیت در حرکت می‌باشد. (احمدزاده، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۷). در قدرت نرم، بر ذهنیت افراد و مدیریت ذهن آنها متمرکز می‌شوند. این‌کار می‌تواند از طریق به‌کارگیری ابزاری چون فرهنگ و یا تأثیرگذاری بردانش و فهم دیگران استوار باشد. پس قدرت نرم «هدایت افکار عمومی» بوده و از این رو بعضاً آن را مترادف «هژمونی فرهنگی»، دانسته‌اند.

سوال این است با عنایت به اینکه بخش قابل توجهی از نظام سرمایه داری علی-الخصوص دولت آمریکا، همچنان با ایران از لحاظ فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی در تناقض جدی قرار می‌گیرد و به رغم یک نوع همکاری محدود، ساختار، رفتار و مبانی نظام حاکم بر ایران، در تضاد با منافع اعلام شده طرف مقابل قرار دارد؛ آمریکا و سرمایه داری جهانی از چه ابزارهایی برای نیل به اهدافشان در برابر ایران استفاده می‌کنند و قدرت نرم و رسانه ای مدرن، چگونه در این تقابل به کار گرفته می‌شود؟

فرضیه‌ای که در این راستا مطرح می‌شود، این است که نظام سرمایه‌داری با استفاده از ابزارهای سایبری در وضعیت کنونی می‌تواند به عنوان «شرط لازم» تغییرات اجتماعی-سیاسی، با ایجاد تحول در بینش و نگرش افراد جامعه از یک سو و اعمال فشار بر حکومت به منظور تغییر در رفتارها و برنامه‌ها از سوی دیگر، مدار قدرت را در ایران تضعیف و گذار

به تحول سیاسی و فرهنگی مورد نظر را تسهیل کند. منظور از شرط لازم این است که غرب، نظام سرمایه‌داری و ابزارهای سایبری آن «در کنار عوامل و شرایط لازم دیگر»، می‌تواند گذار به تحولات مورد نظر را تسهیل نماید.

۲. مبانی نظری

از میان تئوری‌های مطرح پیرامون تاثیر رسانه‌های ارتباطی، نظریه امپریالیسم فرهنگی (Cultural Imperialism) تبیین و فهم پذیری بهتری در خصوص موضوع مورد بحث ارائه می‌کند. این تئوری به شیوه‌هایی اشاره دارد که انتقال برخی از محصولات و معانی فرهنگی از کشورهای فرادست به کشورهای فرودست، به ایجاد الگوهای خاص تقاضا و مصرف می‌انجامد. این کار از طریق کنترل سخت افزارهای فنی، تخلیه افراد با استعداد از کشورهای کمتر توسعه یافته و کنترل نرم افزارهای ارتباطی و محتوای قالب رسانه‌های جمعی می‌شود (Meye، 2018: 116). رسانه‌های جمعی که در کشورهای در حال توسعه، به عنوان «اسب تروا» برای انتقال ارزشهای غربی و حفظ امپریالیسم فرهنگی توصیف شده‌اند (Acholonu، 2011:10)؛ بر اساس نظر شیلر، مهمترین بخش «امپریالیسم فرهنگی» محسوب می‌شوند. (Perez، 2016:2). لذا کشورهای قدرتمند سعی می‌کنند با ایجاد کانال‌های چندگانه رسانه‌ای، حرکتی آرام و مستمر برای مدیریت افکار عمومی و تعاملات فرهنگی را طراحی و اجرا نمایند. چرا که «بسیاری از مردم فقط با محتوای ارائه شده در رسانه است که به زندگی خویش معنا داده و امکان شناخت مسائل اساسی خود نظیر معنای حیات، مرگ، بیماری، زیبایی، شادی و رنج را می‌یابند». (هوور و لاندبای، ۱۳۸۹: ۱۳۷). امروزه وضعیت چنان شده است که هر ماجرای دو بار رخ می‌دهد؛ یک بار در عالم واقع و بار دیگر بر صفحه نمایشگر. واقعیت تصویر به سبب طراحی بهتر و کاربرد عنصر تهییج و تکرار، بر اثرگذاری رویداد در جهت اهداف مورد نظرمی افزایش می‌یابد. (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۴).

استفاده از ابزار قدرت نرم رسانه‌ها، موجب شکل‌گیری تغییر و تحولات زیادی می‌گردد. چنانچه فرض کنیم که «هرچه ارزش‌های درونی دولت‌ها متفاوت‌تر شود، ایده مشروعیت سیاسی و فرهنگی نیز با ابهام بیشتری مواجه می‌گردد» (مندل، ۱۳۸۷: ۱۶۳)؛ قدرت مجازی و ساختن عینیت‌های غیرحقیقی و قابل باور در بسیاری از موارد، نتایج شگفتی را در جوامع ایجاد می‌کند. به همین سبب رسانه‌ها که با به کار بستن دقیق تکنیک‌های پیشرفته روان

شناختی، فکر و عقیده افراد را رهبری و آنها را با ارزش های فرهنگی خود هماهنگ می - نمایند (استرم، ۱۳۹۲: ۲۵)؛ به عنوان مهم ترین ابزارهای قدرت نرم محسوب می شوند. به این لحاظ بنگاه های رسانه ای، همیشه در طول تاریخ از قدرت تأثیرگذاری بر سیاست برخوردار بوده اند. «آنها از طریق تصاویری که عرضه می کنند، در دراز مدت و به تدریج جهان بینی ما را شکل می دهند». (گیل و ادمز، ۱۳۸۴: ۸۲). تغییر جهان بینی، دگردیسی در سایر عرصه های زندگی، روابط اجتماعی، اقتصاد و سیاست را موجب می شود. پژوهش های برجسته سازی (Highlighting) که به بررسی رابطه بین اولویت های رسانه ها و اولویت های مخاطبان در مورد اهمیت نسبی موضوع های خبری می پردازد (ویمر و دومینیک، ۱۳۹۴: ۷۰۲)؛ نشان می دهد، اگر رسانه ها تصمیم بگیرند که مثلاً به «فساد سیاسی»، بیشتر پردازند، این موضوع به مهم ترین دستور کار مخاطبان مبدل خواهد شد. ایده اساسی در این مورد آن است که وسایل ارتباط جمعی در جوامع قدرتمند، از سیاست دقیقی پیروی می کنند که توسط قدرت های مهم اقتصادی و سیاسی تدوین شده است؛ با این هدف که فرهنگ های ملل دیگر را تغییر دهند. آنها این کار را از طریق جایگزینی تعاریف جدید به جای ارزش های سنتی انجام می دهند. (فلور و دنیس، ۱۳۹۲: ۵۵۵-۵۵۴). حاکمیت تولیدکنندگان آمریکایی بر بازار وسایل ارتباط جهانی باعث شده است که منتقدان، مفهوم «تهاجم فرهنگی» امپریالیستی را خلق کنند. بدین معنی کسانی که در کشورهای در حال توسعه، برنامه های تولید شده توسط این سیستم جهانی را دریافت می کنند، آنها را در مقایسه با برنامه های محلی و روش زندگی خود، جذابتر دیده و به قبول ارزش ها و الگوهای آن تشویق می شوند. این چنین است که افراد بعد از مشاهده رفتارهای نشان داده شده، ممکن است معنای کلمات و صورت های گوناگون واقعیت را با آنها توضیح دهند؛ با تعریف روابط واژه ها و معانی آنها، پایه ای برای اتخاذ تصمیم های اجتماعی و سیاسی پیدا کرده و از طریق برنامه های رسانه ای، ادراکات خود را بنا و یا حک و اصلاح نمایند.

۳. پیشینه تحقیق

پورا احمدی و عزیزی (۱۳۹۱)، در مقاله تأثیر جهانی شدن سرمایه بر جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از «نظریه نیوگرامشینیستی»، مفهوم هژمونی و عناصر مفهومی مرتبط با آن مانند کارگزاران انتقال فرهنگی و بین المللی شدن دولت، مقوله جنگ نرم بر ضد ج.ا.ا را تشریح می کنند. پورا احمدی و سعیدی (۱۳۹۰) در مقاله ای دیگر این فرض کلیدی را طرح می -

کنند که مؤلفه فرهنگ واسطه‌ی «تحقق هژمونیک نظام جهانی»، محسوب می‌شود. به نظر نورمحمدی (۱۳۹۰) جنگ نرم سایبری، یکی از مهم‌ترین عناصر تهدید آفرین امنیت ملی ج.ا.است که دارای ابعاد فضا سازی رسانه‌ای، گسترش تنش‌های اجتماعی متراکم، تضعیف سرمایه‌های اجتماعی، توانمندسازی جنبش‌های مدنی و سیاسی و غیره می‌باشد. فرضیه اصلی سلطانی نژاد (۱۳۹۲)، آن است که هر چند تحولات مربوط به فناوری‌های ارتباطی تهدید جدی‌ای را در بر نداشته؛ ولی آسیب پذیری کشور در برابر موجی از تغییرات را افزایش داده است. «آپاشبکه‌های اجتماعی به تکثر سلايق سیاسی منجر شده اند؟» عنوان مقاله فاضلی (۱۳۹۴)، در بررسی تاثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی در ایران است. وی با زندیشی انتقادی در جامعه، شکل‌گیری نوعی رابطه جدید میان حکومت و نخبگان سیاسی با آحاد مردم، قدرت استیضاح دولت، گروه‌های سیاسی و سیاستمداران توسط مردم، ظهور شکل‌های جدیدی از فعالیت سیاسی، امر سیاسی و کنشگری سیاسی و تکثر و تنوع صداها در حوزه سیاست را از جمله تاثیرهای سیاسی مثبت شبکه‌های اجتماعی در ایران بر می‌شمرد. سیاوش احمدی (۱۳۹۴) به نقش مهم اینترنت در انتخابات و گسترش فضای اعتراض در ایران، پرداخته و بر این باور است هر اندازه کاربران اینترنتی در ایران افزایش یافته‌اند، معترضان و منتقدان نظام، از توان تبلیغی بیشتری برای عرض اندام در معرکه‌ها، بهره‌مند شده‌اند. بر اساس تحقیق آقایان اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴) هر چه مقدار استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر می‌شود، میزان مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی کاهش می‌یابد. تحقیق آقای نوازنی (۱۳۹۴)، متضمن این فرض است این شبکه‌ها از طریق عضوگیری، تبلیغات، ارایه اطلاعات روزآمد در خصوص مسایل سیاسی و خارج از درگاه فیلترینگ، باعث شده‌اند کاربران به ارزشها و گرایشهای سیاسی خاص تمایل پیدا کنند.

صاحب نظران و محققین دانشگاهی خارجی هم به رغم اختلاف نظر زیاد، عمده تحقیقات خود را به تاثیر رسانه‌های نوین در تحریک و برپایی اعتراضات اجتماعی در ایران معطوف کرده‌اند. کریمی (Karimi, 2015) در مقاله‌ای با عنوان «هویت زنان و فضای مجازی ایرانی: مطالعه موردی آزادی یواشکی زنان»، به تغییر تدریجی هویت زنان ایرانی و ارتباط آن با فناوری‌های رسانه‌ای جدید اشاره می‌کند. توسا (Tusa, 2013)، با مقایسه جنبش اعتراضی ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) مصر و ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) ایران، تأثیر رسانه‌ها در هر دو مجموعه از تظاهرات را غیر قابل انکار، اما تنها با تکیه بر اینترنت، گمراه کننده دانسته که مانند بسیاری دیگر از رویدادهای تاریخی، نمیتواند عللی که آنها را ایجاد کرده‌اند؛ توضیح دهد. مقنی زاده (2013)

Moghanizadeh، در بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در جنبش‌های اعتراضی، با استفاده از یک چارچوب اجتماعی، روانی بر این باور است که این رسانه‌ها، ابزار موثری در بسیج توده‌ها و تشکیل جنبش‌های اعتراضی در ایران شده‌اند. شیرکی (Shirky, C, 2011)، تاثیر اینترنت در تحولات اجتماعی و سیاسی را ایجاد «سازماندهی بدون سازمان» فرض می‌کند که رسانه‌های اینترنتی و اجتماعی موانع ارتباطی را کاهش و باعث گسترش اطلاعات و سازماندهی گروه‌ها در جنبش‌های اجتماعی شده‌اند. شیرکی در مقاله دیگری (2011)، بر نقش رسانه‌های جدید در هماهنگی اقدامات سیاسی جمعی تاکید کرده و در مورد حرکات اعتراضی سال ۸۸، به عنوان جنبش بیش از حد "مقابله" موثریاد می‌کند. سربرنی و خیابانی (Sreberny, A & Khiabany, 2012)، استدلال می‌کنند که "تکنولوژی‌های جدید ارتباطی به رغم موانع و مشکلات، به ابزار موثر در بسیج اجتماعی مردمی در ایران تبدیل شده‌اند. گلدول (Gladwell, 2013) فرض می‌کند که رسانه‌های جدید می‌توانند، صرفاً پیوندهای ضعیفی را برقرار ساخته و نمی‌توانند به اندازه کافی، برای شرکت افراد در اقدامات عملی، انگیزه ایجاد کنند. رهاقی (Rahaghi, 2012) ادعا می‌کند که، "بزرگترین نفع شبکه‌های اجتماعی، اطلاع رسانی جهانیان از برپایی حرکات اعتراضی (که تا قبل از آن کمتر شنیده می‌شد) در ایران است. ژیروکس (Giroux, 2014) به اهمیت رسانه‌های جدید و فناوری‌های ارتباطی در جنبش‌های اعتراضی در ایران تاکید دارد و می‌گوید "پرسش مهم‌تر از تظاهرات اعتراضی، طرح موضوع «روابط بین رسانه‌های جدید و سیاست» می‌باشد. نویسندگانی مانند مرلینا و مارک کن (Marlina and Mark Ken, 2013)، نقش اینترنت در ایران را به عنوان یک "رسانه ویژه بادامه بیشتری از آزادی، استقلال، خلاقیت و همکاری ملاحظه می‌کنند، اما به نظر آنها "هیچ چیز ذاتی در فناوری اینترنت وجود ندارد که به طور خودکار، این پتانسیل را محقق کند". دباشی (Dabashi, 2012) بر نقش «شبکه‌های اجتماعی» در تداوم اعتراضات علیه حاکمیت در ایران تأکید کرده و ایده محدودیت ایرانیان در دسترسی به اینترنت را به چالش می‌کشد. هیم‌آسا (Assa) تغییرات سیاسی ناشی از تحولات «تکنونیک» در خاورمیانه استبدادزده را، اجتناب ناپذیر دانسته و از اثر این تغییرات در ایران، با عنوان «انقلابی پس از انقلاب» نام می‌برد. رحیمی (Rahimi, 2013) هم، چنین نگاهی دارد. تورس سوریانو (2013) از خنثی بودن رسانه‌های نوین ارتباطی و نقش دوگانه آنها (بسته به زمینه و توانایی بازیگران)، در ترویج آزادی و دموکراسی و نیز افزایش سرکوب و محدودیت در جوامع خاورمیانه سخن به میان می‌آورد. سهرابی (Sohrabi, 2016) هر چند از تاثیر مثبت رسانه‌های

سایبری در تغییرات دموکراتیک، شکست انحصار اطلاعاتی حکومتی و ظهور یک «حوزه عمومی جهانی» برای ایرانیان صحبت می‌کند؛ ولی یادآور می‌شود که «کلیکهای ماوس» به تنهایی باعث تغییرات سیاسی نمی‌شود.

فارغ از تحقیقات فوق‌الذکر، بخش زیادی از پژوهش‌های انجام شده در غرب، مرتبط با «توان سایبری ایران و استفاده از این قدرت بر علیه مخالفین داخلی، قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی» می‌باشد. به عنوان مثال سیبونی: (Siboni، 2014: 83-104)؛ خوانساری (2018، Khansari)؛ یان برمن (Berman، 2017)؛ آیزنشتاد (Eisenstad، 2016: 1-23)؛ سیلوفو (2013: 1-14، Cilluffo)؛ و شانون کاندل (Kandell، 2018: 1-18)؛ چنین رویکردی داشته‌اند.

همان‌گونه که ذکر شد ویژگی اصلی این مقالات با وجود مفید بودن و غنای تحلیلی، این است که به طور عمده به ابعاد سیاسی اینترنت در ایران پرداخته و از تاثیر فضای سایبر در تحولات فرهنگی و اجتماعی چندساله اخیر ایران، صحبت چندانی به میان نیاورده‌اند. تمایز این مطالعه با دیگر پژوهش‌های صورت گرفته، در خصوص کارکرد سیاسی، اجتماعی فضای سایبر به صورت تلفیقی است که در آثار پیشین، به طور محدودی بدان پرداخته شده است.

۴. روش‌شناسی

به تصور ما «پسا اثبات‌گرایی» و «فرامدرنیسم» می‌توانند ما را در توصیف و تبیین پدیده فضای سایبر و ویژگی‌ها، روندها و پیامدهای آن مساعدت نمایند. «ترکل (Turkle)» به عنوان یکی از نظریه پردازان «دوره پست مدرن»، زمینه فرهنگی موجود در دنیای امروز را به شدت تحت تأثیر فضای پست مدرن و توسعه و تسلط دنیای مجازی می‌داند که افراد «از طریق کامپیوتر، خود و شیء‌ای که به خود دیگر، تبدیل شده» با هم به تبادل می‌پردازند و به راحتی احساس و اندیشه‌ها را منتقل می‌کند. (ترلو، ۱۳۹۰: ۳۰۰). کامپیوتری شدن مورد نظر ترکل، به اعتقاد «لیوتار»، بستری برای بحران مشروعیت است. خرد شدن روایت‌های کلان (Great narratives) در فرهنگ پست مدرن، به چیزی منتهی می‌گردد که آن را مترادف «تجزیه و فروپاشی تعاملات و پیوند‌های اجتماعی» می‌دانند. بنابراین «روش‌شناسی پست-مدرن» با توجه به مولفه‌های مورد تأکیدش مثل «فروریختن قطعیت‌ها»، «شالوده‌شکنی»، «مورد توجه قراردادن انواع متفاوت و متعدد قدرت، هویت و گفتمان» و «ارایه تصویری سیال و فاقد مرکز از قدرت و شبکه‌ای شدن آن» با نتایج حاصله از «انقلاب ارتباطات و گسترش

فضای سایبر» و نیز آرا نظریه پردازانی چون کاستلز (Manuel Castells) و جوزف نای (Joseph Nye) بهتر هم خوانی دارد. لذا استفاده از این روش، در این تحقیق و سایر پژوهش‌های مشابه، که هرچه بیشتر بر فردگرایی، خودآیینی، استقلال و تکثر در گزینش و انتخاب تأکید می‌گردد و توضیح‌دهنده بهتر «واقعیت‌های متنوع و متکثر» و از دست رفتن حصارهای امنیتی، سنت‌های مالوف می‌باشد (نوذری، ۱۳۸۰: ۵۴)، «واقع نمای» بیشتری را نصیب پژوهشگران می‌کند.

نحوه تأثیرگذاری فضای سایبری و شبکه‌های ماهواره‌ای بر تحولات سیاسی





۵. ابزارهای مهم رسانه‌ای علیه اهداف و ارزش‌های نظام ج.ا.ا.

۱.۵ رادیو - تلویزیون‌های بین‌المللی

نقش این رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی و تاثیرگذاری بر پیش و کنش افراد، تا بدانجا مهم است که برخی محققان یکی از دلایل فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق را فعالیت رادیو آزادی دانسته‌اند. رادیو صدای آمریکا از زمان تاسیس نقش بزرگترین سلاح تبلیغاتی جهانی آمریکا را برعهده گرفته است و با پخش برنامه‌های مختلف که شامل اخبار و تفسیرهای سیاسی، اقتصادی است، به تحکیم سیاست آمریکا در دنیا کمک می‌کند. (معمد نژاد، ۱۳۹۳: ۲۵۹-۲۵۸). به گفته ژنرال کیت الکساندر مسئول فرماندهی سایبری آمریکا؛ «پخش بین‌المللی اخبار از اصلی‌ترین منابعی است که می‌توان از طریق آن اطلاعات لازم در مورد حوادث و دیدگاه‌های بین‌المللی آمریکا و همچنین گفتمان سیاست‌گذاری در مورد ایران را به گوش مخاطبین ایرانی رسانید. صدای آمریکا و رادیو فردا رسانه‌های فارسی‌زبانی هستند که ایرانی‌ها می‌توانند از طریق آنها به اخبار و اطلاعات لازم دست یابند». (سازمان فناوری اطلاعات ایران، ۱۳۸۹: ۱۳). شبکه خبری تلویزیونی صدای آمریکا و رادیو فردا به صورت بیست و چهار ساعته اخبار و برنامه‌های فرهنگی را به مخاطبین ایرانی می‌رسانند. یکی دیگر از ابزارهای تبلیغاتی، وجود دهها شبکه تلویزیونی با ابعاد فعالیت گسترده در سراسر جهان است؛ که بزرگ‌ترین تأمین‌کننده برنامه‌های تلویزیونی برای بسیاری از کشورهای دنیا می‌باشند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این شبکه‌ها، با برجسته کردن نقش آمریکا به عنوان ناجی دنیا و ارائه چهره‌ای منفی از ایران در چارچوب دستیابی به بمب اتمی، دخالت در منطقه و حمایت از تروریسم، سعی در ایجاد ایران هراسی دارند. (سپهری، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

۲.۵ ماهواره‌ها

امروزه فناوری ماهواره، به عاملی قوی برای تغییر و دگرگونی فرهنگی و سیاسی تبدیل شده است. اخبار، برنامه‌های مستند و فیلم‌ها و مجموعه‌های سریالی جذاب که در کانال‌های

ماهواره‌ای پخش می‌شود، بیش از هر وسیله ارتباط جمعی باعث جذب افکار و اذهان شده و نقش بلند مدتی را در شکل‌گیری فرهنگ ایفای می‌کند. در برخی از فیلم‌ها و سریال‌های ساخته شده در غرب، سعی می‌شود دین اسلام را ارتجاعی، خشن، حامی تروریسم و پایمال‌کننده حقوق زنان و اقلیت‌ها نشان‌دهند. در حال حاضر هزاران شبکه ماهواره‌ای و اینترنتی به صورت شبانه روزی دست به پخش انواع برنامه می‌زنند. دست‌یابی به این شبکه‌ها در ایران به سادگی امکان پذیر است. در سال‌های اخیر طبق آمار، ۷۳ درصد از جوانان مراکز استان‌ها، به راحتی به ماهواره دسترسی پیدا کرده‌اند. هم‌اکنون ماهواره‌هایی که در فضای ایران فعالند، امکان دریافت حدود ۱۸ هزار شبکه تلویزیونی را فراهم کرده‌اند. این شبکه‌ها، در چند ساله اخیر توانسته‌اند؛ تغییرات گسترده و عمیقی را از نظر فرهنگی و سیاسی در بین اقشار و طبقات اجتماعی مردم ایران ایجاد کنند.

۳.۵ اینترنت و فضای سایبری

اینترنت شاید بیش از تمام فناوری‌های دیگر در تمام جهان و ایران توانسته در لایه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، تاثیرات عمیق و پایداری بگذارد. برخی معتقدند تعامل بین افراد برای همیشه تغییر کرده و هرکس در هر جایی می‌تواند با هر فرد دیگری، در هر زمان ارتباط برقرار کند. منتقدان اما به دو نقطه ضعف تأکید کرده‌اند: کنترل محتوا و تأثیر اجتماعی عمیقی که از طریق واسطه‌های الکترونیکی اتفاق می‌افتد. (مولانا، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۱). گروه دوم ادعا می‌کنند با ظهور فضای مجازی، ظرفیتی استثنایی برای سلطه بر جهان به وجود آمده که می‌توان آن را به «استعمار مجازی» یا «استعمار سوم» تعبیر نمود. براساس این تحلیل، این سلطه برای کشورهای غربی به خصوص آمریکا، ضریب قدرت آنها را به صورت فوق‌العاده‌ای افزایش داده است. چرا که این صنعت در کلیت خود، در سیطره سیاسی آمریکا قرار دارد. (بائوگوئو، ۲۵: ۱۳۹۲). در حال حاضر، پنج حوزه اصلی ساختار اینترنت در انحصار غول‌های فناوری آمریکا قرار دارد. از جمله: رایانه‌های دارای عملکرد عظیم، سیستم‌های عامل، فناوری پایگاه‌های اطلاعاتی، فناوری سوئیچ شبکه و کتابخانه‌های حاوی منابع اطلاعاتی. اینترنت (و به ویژه شبکه‌هایی نظیر توئیتر و فیس‌بوک) سامانه‌ای را به وجود آورده است که قدرتی بسیار گسترده‌تر از رسانه‌های سنتی‌تر نظیر تلویزیون و روزنامه دارد. این امر منجر به کارایی و جذابیت بیشتر اقدامات نرم آمریکا در فضای فیزیکی همچون تبادلات علمی، بورس‌های تحصیلی، فیلم و موسیقی، شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، کلاس‌های آموزش زبان،

دعوت از نخبگان کشورهای خارجی، همایش‌ها و بسیاری از موارد دیگر می‌شود. از این منظر، کاربران به طور ناخودآگاه جذب ارزش‌ها و فرهنگ این امپراتوری می‌شوند. (عاملی، ۱۳۹۳: ۵۸۱). بعلاوه دولتمردان آمریکایی و محافل قدرت در آن کشور با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و سایبری، جنگ را به مثابه «مداخله‌ای بشر دوستانه‌ای» معرفی می‌کنند که نتیجه آن، «تغییر حکومت‌ها» و «استقرار دموکراسی» است. (چاسودفسکی، ۱۳۹۲: ۲۵). آنچه به جنگ عراق انجامید، شاهدی بر این مدعاست. تحقق سیاست‌های آمریکا، بدون نقش-آفرینی و همراهی رسانه‌های این کشور، امکانپذیر نبوده و نیست؛ از این رهگذر رسانه‌ها به نماینده دولتمردان آن کشور بدل شده‌اند. (سلومون، ۱۳۹۲: ۶۳). شبکه‌های اجتماعی در این بین، یاری‌رسانان نهادهای قدرت‌اند. «فیس بوک» که یک ابرقدرت اینترنتی است، مقدار عظیمی از اطلاعات کاربرانش را ذخیره‌سازی کرده است. اینکه دوستان فرد چه کسانی هستند و از چه چیزهایی خوشش می‌آید، از جمله اطلاعاتی هستند که این شرکت به آنها دسترسی دارند. فیس بوک می‌تواند از طریق «سرورهای» خود به بیشتر اطلاعاتی که کاربران آنها را حذف کردند، دسترسی پیدا کند. (مکینتایر، ۱۳۹۲: ۳۵). موتورهای جستجو هم کمک کار اصحاب قدرت در آمریکا و کشورهای مادر می‌باشند. هر جستجویی که در موتور «گوگل» انجام می‌شود، به پایگاه اطلاعاتی این غول اینترنتی منتقل می‌شود و آنها از این اطلاعات برای ایجاد یک پرونده از عادت‌ها و علاقه‌مندی‌های افراد استفاده می‌کنند. سیستم‌های نقشه گوگل، نیز به این شرکت امکان می‌دهد تا از طریق استفاده کاربر از تلفن‌های هوشمند و وسایل مجهز به «جی.پی. اس»، خبردار شود در چه نقطه‌ای به سر می‌برد.

۴.۵ بازی‌های رایانه‌ای

در سال‌های اخیر که هر روز بر تعداد نوجوانانی که به جمع استفاده‌کنندگان بازی‌های رایانه‌ای افزوده شده؛ برخی از پژوهشگران با استفاده از اطلاعات میدانی، به بررسی «تأثیر خشونت رسانه‌ای بر رفتار پرخاشگرانه و ضداجتماعی نوجوانان و جوانان» روی آورده‌اند. بر پایه این تحقیقات، محتوای خشونت‌آمیز رسانه‌ها مشوق آن است که در سنین پایین، بیننده خصلت‌های باثبات و پایداری کسب کند. برخی از داستان‌های خشونت‌بار این فیلم‌ها یا بازی‌ها را کودکان ۳ یا ۴ ساله نیز می‌توانند یاد بگیرند. (ویمر و دومینیک، ۱۳۹۴: ۶۹۲). گرچه بازی‌های مبارزه‌ای، فوایدی از قبیل تقویت حس مبارزه بابدیها، کمک به دیگران و دشمن‌ستیزی دارند و به تخلیه هیجانات کودکان نیز کمک می‌کنند؛ اما پژوهش‌ها نشان می‌-

دهند؛ در صدد بالایی از بازی‌های رایانه‌ای، حاوی مضامین پر خاشگرا نه هستند. موضوع دیگر، جهت‌گیری سیاسی مستتر در این گونه بازی‌ها است. «مرکزین المللی منازعه غیرخشونت‌آمیز» که نقش مهمی در آموزش روش‌های براندازی نرم ایفا می‌کند؛ برای آموزش روش‌های خود، به طراحی یک بازی رایانه‌ای با عنوان «نیروی مقتدرتر (a force more powerful) دست زده است. این بازی رایانه‌ای، استفاده از روش‌ها و ابزارهای مبارزه واقعی با دیکتاتورها، اشغالگران نظامی و قانون‌گذاران فاسد را آموزش می‌دهد (شیلر، ۱۳۸۷: ۳۱). در واقع در این بازی به نوعی منازعه غیرخشونت‌آمیز، شبیه‌سازی شده است. برخی از این بازی‌ها، قبل از یک واقعه سیاسی به بازار می‌آیند و ذهن‌ها را برای پذیرش آن واقعه و سوگیری در جهت مورد نظر طراحان بازی، آماده می‌کنند.

۶. آسیب‌پذیری‌های جدید امنیتی، سیاسی و فرهنگی جامعه و حاکمیت

در خصوص معنای امنیت، می‌توان دو موضع‌گیری متعارض را از هم تشخیص داد: موضع‌گیری «سنت‌گرایان» و موضع‌گیری «طرفداران فراخ‌سازی معنای امنیت». سنت‌گرایان همچنان به امنیت از منظر دولت ملی و جنگ میان دولت‌ها روی می‌کنند. اما طرفداران فراخ‌سازی مفهوم امنیت (شامل لیبرال‌ها و نظریه پردازان انتقادی)، مدعی اند مفهوم امنیت را باید فراخ‌تر کرد تا تهدیدها و چالش‌های جدیدی را دربرگیرد که در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست مطرح شده‌اند. (اریکسون، ۱۳۹۰: ۱۹). نظریه «وابستگی متقابل پیچیده»، که «نای» و «کیشن» آن را نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ بسط دادند، به منظور توجیه چالش‌های دوران دیجیتال، بر قدرت نرم افزاری تکیه می‌کنند. این قدرت برخاسته از جذابیت فرهنگ یک کشور است. به گفته «نای» در دوران دیجیتال، عمدتاً به دلیل پیدایش مجاری چندگانه ارتباطات جهانی، که به سهولت مرزهای حاکمیت را پشت سر می‌گذارند، قدرت نرم افزاری اهمیتی بیش از هر زمان دیگر در گذشته پیدا می‌کند.

بر این اساس، می‌توان نقش اینترنت در امنیت را در سه حوزه مشخص دنبال کرد: حوزه اول؛ جنگ‌هایی که در حوزه تقابل دو کشور با یکدیگر ایجاد می‌شود و از آن جنگ سایبر (Cyber-war) و عناوین مشابه تعبیر می‌کنند. در این نوع جنگ اساس شبکه‌های رایانه‌ای کشور حریف مورد تهاجم و خرابکاری واقع می‌شود، به نحوی که توان ملی کشور هدف را، تضعیف و مختل می‌کند که به تعبیر رایج کنونی می‌توانیم آن را تهدید سخت (Hard Threat) بنامیم. (کواسیچ، ۱۳۹۳: ۵). حوزه دوم؛ تهدیداتی است که منشأ آن لزوماً دولت‌های خارجی

نیستند و در حوزه امنیت داخلی یک کشور تعریف می‌شوند. مواردی از قبیل جاسوسی رایانه-ای، هک کردن سایتها، شنود مکالمات، نفوذ به حوزه‌های شخصی در این حوزه قرار می‌گیرند که به آن تهدید نیمه سخت (Half Hard Threat) گفته می‌شود. حوزه سوم؛ تهدیداتی است که هدف‌گیری آن تغییر هویت، باورها، نگرشها و ارزشهای جامعه برای تأثیرگذاری بر حکومت می‌باشد که به آن تهدید نرم (Soft threat) می‌گویند. (انعامی، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۹).

۱.۶ تهدیدهای نوین امنیتی

نظام و کشور ایران طی چند سال اخیر، در معرض هر سه نوع این تهدیدات قرار گرفته است. رایانه‌های ایرانی در تابستان ۱۳۸۹، مورد هجوم شدید کرم خطرناک استاکس نت (Stuxnet) قرار گرفتند که علاوه بر اطلاعات سیستم‌های کنترل صنعتی و نیروگاهی و تاسیسات هسته‌ای، داده‌های سیستم‌های خانگی را نیز به سرقت برد و حدود ۶۰ درصد کامپیوترهای ایرانی را آلوده کرد. استاکس نت که با همکاری آمریکا و اسرائیل ساخته شده بود و در تیرماه ۱۳۸۹ برای نخستین بار تاسیسات اتمی بوشهر را آلوده کرد، می‌توانست تراژدی مانند «چرنوبیل» را برای ایران رقم بزند.^۱

از دیگر روش‌های مقابله با سیاست‌های رسمی حاکمیت، نشست اطلاعات به خصوص اطلاعات محرمانه و سری در فضای سایبری می‌باشد. نشست اطلاعات محرمانه نظامی ایران در آبان ۱۳۸۸ بر روی سایت‌های اینترنتی آمریکایی؛ از جمله اقدامات انجام شده در این راستا بوده است. در این زمان اعلام شد که برخی اطلاعات سری مربوط به موشک‌های ایران، بر روی اینترنت قرار گرفته است. (بولتن جنگ سایبر علیه ایران، ۱۳۹۶: ۱۷). واقعیت آن است که امروزه بسیاری از اطلاعات محرمانه و امنیتی کشور از طریق فضای اینترنتی به بیرون از مرزها نشست و در اختیار گروه‌ها و دولت‌های رقیب یا دشمن قرار می‌گیرد.

حدود دو سال بعد از آمدن استاکس نت، آمریکا این بازار طریق ویروس «شعله آتش» (flame) برای حمله به ایران اقدام کرد. این بدافزار پیچیده و پیشرفته قادر به سرقت هرگونه اطلاعات از کامپیوتر قربانی و حتی توانایی ضبط مکالمات صوتی انجام شده را نیز دارا بود.^۲ دو سال بعد، حملات سایبری و ویروس نفوذی، به وزارت نفت ایران و تاسیسات استراتژیک آن باعث شد؛ مادر بورد کامپیوترهای این وزارتخانه و برخی شرکت‌های تابعه آن سوخته و اطلاعات آنها پاک شود.

مهمترین تهدید سایبری پروژه نیتروزئوس (Nitro Zeus) در دوران باراک اوباما بود که اگر به شکل عملیاتی اجرا می‌شد، قادر به ازکار انداختن بخش‌های مهمی از زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران به صورت کامل بود. براساس این پروژه تجهیزات سایبری و الکترونیکی در شبکه‌های رایانه‌ای ایران جای گذاری شده و در زمان مورد نیاز، همه این ابزارها به عنوان یک ارتش آماده به خدمت، به کار گرفته می‌شدند. مطابق برخی گزارش‌ها، پروژه نیتروزئوس می‌بایست در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا اجرا می‌شد. این نقشه به شکل اختصاصی، با استفاده از یک بد افزار برای ازکار انداختن سیستم‌های رایانه‌ای سایت‌های نیروگاهی، صنعتی و هسته‌ای ایران طراحی شده بود (Sanger and Mazzetti, 2016). گزارش‌ها نشان می‌دهد، بدافزاری نظیر استاکس نت، تنها بخش کوچکی از این پروژه بزرگ بوده است. براساس این پروژه بود که متخصصین امور دفاعی و امنیتی، آسیب پذیری ایران را اینگونه بیان کردند: ایالات متحده می‌تواند کل زیرساخت‌های ایران را بدون رها کردن حتی یک بمب، نابود کند. (Zoldra, 2016: 8).^۳ نفوذ سایبری آمریکا در ایران توسط مسئولین ذیربط مورد تصدیق واقع شده است. رئیس سازمان پدافند غیرعامل در آبان ۱۳۹۵، به وجود و کشف این بدافزارها پس از اعلام آن توسط آمریکایی‌ها، در تاسیسات حیاتی و زیر ساخت‌های با اهمیت کشور اشاره کرد.^۴

۲.۶ استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در جنگ‌های ترکیبی

شبکه‌های اجتماعی علاوه بر محاسن زیاد، زمین حاصلخیزی برای دستکاری ادراکات و باورها است. از اثرات بالقوه این شبکه‌ها می‌توان به کاربرد آنها در مختل کردن سیستم‌های فیزیکی و مهمتر از همه، نفوذ در نگرش‌ها و رفتارهای خاص برای رسیدن به اهداف سیاسی یا نظامی اشاره کرد. راه‌هایی که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در مقابله علیه کشورها استفاده بشوند عبارتند از: جمع‌آوری اطلاعات، هدف‌یابی، خبرچینی و نفوذ، عملیات سایبری. این یعنی مسلح‌سازی شبکه‌های اجتماعی. امروزه به موازات فعالیت‌های نظامی، بهره برداری از فضای مجازی رو به گسترش، برای انجام حملات به زیرساخت‌ها و تاثیر بر ذهن انسان در حال انجام است. (Reynolds, 2016: 5) مطالعات موردی گویای این است که گروه‌های تروریستی، تکفیری از شبکه‌های اجتماعی در راستای اهداف و نیات خود بهره‌گیری می‌نمایند. تارنماهای شبکه‌های سلفی با تبلیغات، عضوگیری و جمع‌آوری منابع، در اختیار گذاشتن شکر دساخت بمب و صدور فتوا، خطر مجازی نوظهوری

در عصر دیجیتال به شمار می‌آیند. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۷۰). گرچه خود غرب و برخی دولت‌های حامی تروریسم از خطر گروه‌های تروریستی در امان نیستند. استفاده گسترده گروه داعش و سایر گروه‌های تروریستی از رسانه‌های اینترنتی، سبب شده است برخی تحلیل‌گران اینترنت را «زمین بازی اصلی تروریسم» بنامند. (نجاتپور، ۱۳۹۳: ۹۶).

۳.۶ ایجاد تضاد در هویت‌های فردی و ملی

یکی از حوزه‌های مهم حیات بشری، هویت فردی، گروهی و ملی انسان‌ها و تاثیر آن بر روابط اجتماعی است. وجود هر نوع چالشی در بنیان‌های هویتی یک کشور می‌تواند تاثیرات بسیار زیادی بفرآیند سیاست‌گذاری داخلی و خارجی گذاشته و آن را با چالش روبرو نماید. کشور ایران جامعه‌ای چندقومی است که توسعه فناوری‌های ارتباطی می‌تواند زمینه همگرایی یا واگرایی را فراهم نماید. وضعیت خاص کشور و جامعه ایران باعث شده است برخی جوانان به مهاجرت به غرب و بی‌تفاوتی و حتی تنفر نسبتاً شدید به علایق فرهنگ سنتی خود تمایل یابند (سحابی و آقاییگ پوری، ۱۳۸۹: ۱۳۶). علاوه بر این حداقل در مطالعات مختلف که در رابطه با وضعیت «هویت خواهی» بخشی از اقوام ایرانی از جمله کردها انجام شده است، نتایج حاکی از اولویت «هویت قومی» و حتی «اولویت هویت فراملی» بر هویت ملی است. (شفیع نیا، ۱۳۹۲: ۷۵-۹۴). توسعه فزاینده ایستگاه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای ای‌گرددی، به شکل‌گیری اجتماعات مجازی قومی با درون مایه‌های ملیت‌گرایانه، بین‌المللی شدن مسئله‌گرد و تشدید روابط بین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کردها منجر شده است. رویدادها و تحولات مذکور، تغییرات شگرفی در عرصه مناسبات اجتماعی کردها در سطوح درون جامعه‌ای و فراجمعه‌ای به دنبال داشته و به تبع آن ابعاد و سطوح تعلقات جمعی کردها را دستخوش دگرگونی ساخته است. بر اساس نگاه موجود در مناطق قومی، کردها از جمله اقوامی می‌باشند که در چهار کشور ترکیه، ایران، سوریه و عراق حضور دارند و در تلاش‌اند تا با فعالیت در فضای مجازی امکان حفظ و ترویج انگاره‌های هویتی و فرهنگی خود را حفظ نمایند. (مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۵). در سال‌های اخیر شاهد ظهور بسیاری از سایتها، کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی با تمایلات قوم‌گرایانه کردی در استان‌های کردستان و کرمانشاه و ایلام بوده‌ایم. اگر پیش‌تر نوشتن با زبان و نگارش کردی امری نامانوس جلوه می‌کرد؛ اینک تعداد وبلاگ‌ها و سایت‌های کردزبان به شدت افزایش یافته است. رشد فزاینده استفاده از امکانات فضای مجازی و برنامه‌های ماهواره‌ای، با طرح

واگرایی در قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی، ترویج نکات منفی در مورد وضعیت آنها و بیان تبعیض و نابرابری میان اقوام و اقلیت‌ها، بدون شک بر تضعیف پیوند آنها از جمله کردها با نشانه‌های هویت ملی و راه‌اندازی حرکت‌های اعتراضی منجر شده و همین مسئله موجب فشار بر حاکمیت گردیده است.

۴.۶ تشدید تضادهای اخلاقی و ارزشی

اگر فرهنگ را پیوندی بدانیم که بدون آن اجزای جامعه از هم پاشیده و هیچ شبکه ارتباطی بین افراد بوجود نمی‌آید و سیاست و سایر رفتارهای اجتماعی در حوض آن غوطه‌ورند (نقیب زاده، ۱۳۹۶: ۵۳)، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی به شکلی گسترده فرهنگ ایرانیان را در سطح باورها، ارزش‌ها و الگوها تهدید کرده‌اند. نتایج مرور «۶۶ پژوهش» نشان می‌دهد که مناسبات خانوادگی و نحوه گذران اوقات فراغت، اثرپذیرترین متغیرها از شبکه‌های ماهواره‌ای گردیده‌اند. (اکبری - تیموری، ۱۳۹۷: ۹). در تحقیقاتی دیگر مشخص شده، هرچه میزان استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و تلفن همراه افزایش یابد؛ رضایت از زندگی زناشویی، ارتباط چهره به چهره والدین و فرزندان، اعتماد زوجین و ارتباطات مددکارانه در خانواده کمتر و موافقت نسلی با روابط آزادتر دختر و پسر بیشتر شده است. (فرامرزیانی، فرهنگی، هاشمی ۱۳۹۵: ۱۳۵ - ۱۱۳ نیز خالدی، مهدوی، ساروخانی، ۱۳۹۵: ۹۱ - ۶۵). افزایش طلاق و رشد روابط برون زناشویی از جمله نتایج این شرایط نابهنجار است.

۵.۶ «کاهش باورمندی دینی» و «گسترش شبهات فکری»

هم‌اکنون از مضرات فعالیت برخی شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی در ایران است. «استفاده از فضای سایبر برای مقاصد تفریحی در مقایسه با استفاده از آن برای ارتباط یا جمع‌آوری اطلاعات باعث شده است کاربران، به احتمال بیشتری هویت دینی ضعیف داشته باشند» (Chitsaz, & Hosseini Moghaddam, 2018: 205-218). این امر باعث می‌شود که مؤلفه‌های هویت یابی جوانان، خارج از کنترل مراجع دینی و ساختارهای رسمی متولی قرار گیرد. بی‌شک تداوم این امر منجر به شکل‌گیری نسلی خواهد شد که در سبک زندگی اش، دین کمترین نقش را خواهد داشت. تضعیف باورهای دینی با انتشار شبهات در مورد

وجود خداوند یا حساسیت خدا (۴۰۰ میلیارد کهکشان، هر یک با ۲۰۰ میلیارد ستاره، پس از ۱۴ میلیارد سال، تنها حساسیتش روی رفتار جنسی و خوردن و آشامیدن آدم ها و کلب و میمون و حمار نامیدن بخشی از انسانها به دلیل اعتقادات شخصی شان است)، شخصیت پیامبر و اقداماتش، قرآن و تعارض محتوای آن با علم، اخلاق و عقل بشری، گوشه ای از شبهات مطرح شده در فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای به ویژه در بین جوانان می- باشد.

۷. نتیجه گیری

فضای سایبری و شبکه های ماهواره ای علی رغم فرصت هایی که ایجاد کرده است، به دلیل ماهیت آن، آسیب هایی در زمینه های مختلف از جمله، ارزش ها و هنجارها، هویت و امنیت ملی و ثبات سیاسی در ایران پدید آورده است. چه این آسیب ها را ناشی از اقدامات برنامه ریزی شده جنگ نرم و امپریالیسم فرهنگی تلقی کنیم و چه متاثر از ضعف ها و خلل درونی، نتیجه به وجود آمدن تغییرات ارزشی، بینشی و کنشی ویژه ای است که خواه ناخواه بر تعمیق بحران های «هویت»، «مشروعیت»، «مشارکت» و «نفوذ» در کشورمان اثر گذار خواهد بود.

از آنجا که نظام حاکم بر ایران از جنبه های مختلفی از جمله تعارض ایدئولوژیکی، پیگیری اهداف متفاوت در نظام بین الملل و سیاست ویژه منطقه ای، در برابر آمریکا چالشی عمل می- کند؛ زمینه های خصومت این کشور با جمهوری اسلامی همچنان پایدار خواهد بود. ابزارهای مقابله با ایران، علاوه بر تهدیدهای سخت، استفاده از قدرت نرم است که از دیدگاه «نای» بر قدرت رسانه ای، تبلیغاتی و متقاعدسازی تکیه دارد؛ در این قدرت «فوکویی»، دیگر نیاز چندانی به کاربرد جنگ سخت برای نیل به اهداف، ضرورت ندارد. بنابراین شبکه های ماهواره ای و اینترنتی با در اختیار داشتن قدرت قوی رسانه ای و جهت دادن قدرت نرم و ایجاد هژمونی فرهنگی و ارزشی، هویت و عرصه ذهن ها، را تحت تأثیر قرار داده و افکار و اندیشه های خود را درون سلول های جامعه رسوخ می دهند. آنها با ایجاد هویت های نوین امکان یافته اند با مدیریت نرم افزاری و گفتمانی خود و برخی بدافزارهای مخرب، آرام آرام امنیت ملی و هویت های ملی و سنتی را تهدید کنند و با پخش و انتشار اخبار و برنامه های مختلف، زمینه کاهش مشروعیت نظام سیاسی حاکم و تغییر رفتاری یا شکلی آن را فراهم نمایند. تغییر توقعات از طریق دگرگونی توقعات شهروندی و تغییر هنجارهای عمومی موجب

تضعیف مبانی ایدئولوژیک جامعه شده و پایه‌های فرهنگ عمومی را در تقابل با حاکمیت سیاسی، قالب‌ریزی کرده است. پادزهر این وضعیت، بالابردن سطح عدالت، آزادی، دموکراسی، معنویت خردپسند و شفاف سازی در کشور است که علاوه بر آنکه از لحاظ ارزشی مطلوب می‌باشد، جامعه و نظام سیاسی کشور را در برابر مخاطرات واکنش‌ناپذیر می‌کند.

۸. راهکارها و پیشنهادات

در عصر فراگیری رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای، اتخاذ تصمیمات بر اساس یک مانیفست روشن و یافته‌های تحقیقی و علمی به شدت احساس می‌شود. بنابراین:

۱- از آنجا که نبود کانالی مطمئن برای بیان اخبار، مطالبات و صداهای معترض، شرایط پیچیده امروز را پیچیده‌تر می‌کند، رسانه‌ها باید ضمن احتراز از تحریکات قومی و مذهبی، با همه تنوعات قومی، مذهبی، صنفی و اجتماعی به مثابه «صدای مردم» عمل کنند و مطالبات مشروع و قانونی آنها را انعکاس دهند.

۲- مهمترین عامل روی‌آوری به رسانه‌ها، معیار اعتماد می‌باشد. اگر رسانه‌ها صرفاً توجیه‌گر تصمیم‌ها و اقدامات حکومت و جریان‌ها باشند، بی‌اعتمادی به دولت، به رسانه‌های دولتی نیز کشیده می‌شود. پس در زمانه کاهش مشروعیت نظام سیاسی، به منظور کاستن از میزان گسست بین جامعه و حکومت، رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی باید زمینه حضور بیشتر گروه‌های سیاسی، مذهبی و قومی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را فراهم سازند. بعلاوه این رسانه با بررسی علل رجوع مردم به شبکه‌های ماهواره‌ای، نسبت به تولید برنامه‌های تفریحی و خبری مخاطبان، اقدام بایسته مبذول نماید.

۳- دستگاه‌های فرهنگی و رسانه ملی باید نسبت به آسیب‌شناسی ناهنجاری‌های ناشی از برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، اقدام و با ارتقا سطح آگاهی و سواد رسانه‌ای خانواده‌ها، آنها را برای مواجهه موثر و نقادانه در برابر شبکه‌های رسانه‌ای آماده نمایند.

۴- رسانه ملی باید در انتشار اخبار بازاندیشی کند و با شناخت نیازهای مخاطبان و استفاده بیشتر از کارشناسان مستقل، دوری از گزینش رویدادها بر مبنای تمایلات جناحی و حکومتی، ابتکار عمل کنونی در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای را از آنها سلب نموده و به ویژه در برخورد با فساد و ناکارآمدی گسترده در کشور که چون خوره اعتماد

قدرت نرم و سایبری؛ کارکرد آن در جمهوری اسلامی ایران ۱۶۱

مردم به حاکمیت و اعتقاد جوانان به باورهای مذهبی را از بین برده، بدون اغماض و مسامحه افراد، سازمان ها و نهادهای فاسد و ویژه خوار در هر شکل و مقامی، را معرفی نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع از نحوه عملکرد، چگونگی کشف و نتایج خطرناک امنیتی این کرم برای ایران و جهان ر.ک به Baezner, Marie & Robin, Patrice (2017): 1-17.
۲. درباره برنامه شعله ر.ک به Siboni, Gabi & Kronenfeld, Sami (2014): 77-99.
3. The US could have destroyed Iran's entire infrastructure without dropping a single bomb
۴. اظهارات جلالی با نشانی SC^۳ v/rc، v/Fbxre و v/p8ja1 در سایت آپارات موجود است.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۲)، "نوسلفی‌گری، جهانی شدن و امنیت خاورمیانه"، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- اریکسون، یوهان (۱۳۹۰)، انقلاب اطلاعات، امنیت و روابط بین الملل، در کتاب "انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری های جدید، جیمز روزناو دیگران"، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- استرم، کوین آلفرد (۱۳۹۲)، "ارتباطات و رسانه ها، قدرت و مالکیت رسانه‌ها"، تهران، مجله مرکز پژوهش های صدا و سیما، مرداد، شماره ۳۷، صفحات ۴۷-۳۴
- اکبری، حسین - تیموری، محمود (۱۳۹۷)، "فرا تحلیل پژوهش‌های سبک زندگی با تأکید بر میزان اثرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌های فارسی زبان (بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۰)"، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان
- انعامی، سهراب (۱۳۸۷)، "تهدیدات نرم، الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده آمریکا در برابر ایران"، تهران، گزارش جمهور (مرکز پژوهش ریاست جمهوری)، هجدهم و بیست و چهارم فروردین، شماره ۲۷-۲۶، صفحات ۴۲-۳
- پوراحمدی، حسین - عزیزی، رضا (۱۳۹۱)، "جهانی شدن سرمایه و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران"، تهران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز، صفحات ۲۸-۹
- ترلو، کریستین و همکاران (۱۳۹۰)، "ارتباطات کامپیوتر-واسط؛ تعاملات اجتماعی و اینترنت"، ترجمه سروناز تربتی، تهران، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول
- چاسودفسکی، مایکل (۱۳۹۲)، "تبلیغات جنگ"، تهران، مرکز پژوهش های صدا و سیما، صفحات ۹۹-

- حجازی، سید حسین (۱۳۸۷)، "ظرفیت های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا"، تهران، فصلنامه دولت اسلامی، ۲۴ فروردین، شماره ۲۷، صفحات ۲۸-۳
- خالدی، اسد، مهدوی، سیدمحمد صادق، ساروخانی، باقر (۱۳۹۵)، "مطالعه جامعه شناختی رابطه بین فناوری های نوین ارتباطی و ارتباطات خانوادگی در شهر شیراز"، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز، صفحات ۹۱-۶۵
- دیوید گیل وبریجت ادمز (۱۳۸۴)، "الفبای ارتباطات"، مترجمان رامین کریمیان-محمد نبوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- راجر دی. ویمر-جوزف آر. دومینیک (۱۳۹۴)، "تحقیق در رسانه های جمعی"، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، انتشارات سروش، مرکز تحقیقات برنامه ای، چاپ دوم
- سازمان فناوری اطلاعات ایران (۱۳۸۹)، "فضای سایبر، حوزه ای جدید و مهم از قدرت"، تهران، اداره کل امور بین الملل
- سپهری، محمدباقر (۱۳۹۷)، "بازنمایی ایران در اخبار شبکه های تلویزیونی آمریکا (تحلیل گفتمان انتقادی اخبار سی ان ان و ان بی سی در ارتباط با توافق هسته ای ایران و کشورهای ۱+۵)"، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ص ۱۹۱. صفحات ۲۲۰-۱۹۱
- سحابی، جلیل-آقاییگ پور، هاشم (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر بعد فرهنگی جهانی شدن و رابطه آن با هویت قومی (مطالعه موردی جوانان شهرستان بوکان)"، تهران، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۱، صفحات ۱۵۴-۱۳۵
- سلومون، نورمن (۱۳۹۲)، "حمله به عراق؛ آنچه رسانه به شما نگفتند"، ترجمه محمدرضا نوروزپور، تهران، انتشارات نیستان
- شفیع نیا، عباس (۱۳۹۲)، "پیامدهای شبکه های اجتماعی مجازی، مطالعه موردی هویت ملی و هویت قومی کردها"، تهران، فصلنامه فرهنگ ارتباطات، دوره ۳، شماره ۱۱، پاییز، صفحات ۷۵-۹۴
- شیلر، هربرت (۱۳۹۰)، "ارتباطات و سلطه فرهنگی"، ترجمه کاظم معتمدنژاد، تهران، نشر علم
- طباطبایی، صادق (۱۳۹۵)، "طلوع ماهواره، افول فرهنگ"، تهران، انتشارات اطلاعات
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۳)، "ویژگیهای فضای مجازی و رسانه های آینده"، تهران، سازمان صدا و سیما، دفتر پژوهش های کاربردی
- فرامرزیانی، سعید، فرهنگی، علی اکبر، هاشمی، شهناز (۱۳۹۵)، "نقش استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه بر ارزشهای اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان و میان سالان ساکن در شهرهای پنج استان کشور)"، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال بیست و سوم، شماره ۳، صفحات ۱۳۵-۱۱۳
- کواسیچ، جرال-دونی، ویلیامسی (۱۳۹۳)، "جاسوسی شبکه ای، تهدید جهانی اطلاعات"، ترجمه معاونت پژوهشی دانشگاه امام باقر، تهران، انتشارات دانشگاه امام باقر (ع)
- گوئو، چن بائو (۱۳۹۲)، "راهبرد آمریکایی: کنترل جهان از طریق کنترل اینترنت"، در کتاب "رسانه سلطه، سلطه رسانه"، ترجمه فریده پیشوایی، تهران، کتاب نشر

قدرت نرم و سایبری؛ کارکرد آن در جمهوری اسلامی ایران ۱۶۳

- مبارکشاهی، محمود(۱۳۹۲)، "بررسی هویت طلبی در فضای مجازی"، مریوان، فصلنامه زیربار، پاییز و زمستان، شماره ۸۳
- معمد نژاد، کاظم(۱۳۹۳)، "ارتباطات بین المللی(جلداول)"، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- مکیتایر، داگلاس(۱۳۹۲)، "چه کسانی شمارا زیر نظر دارند؟"، ترجمه فریده پیشوایی، تهران، انتشارات کتاب نشر
- ملوین، دفلور-اورت.دنيس(۱۳۹۲)، "شناخت ارتباطات جمعی"، ترجمه سیروس مرادی، تهران، انتشارات صدا و سیما، چاپ سوم
- مندل، رابرت(۱۳۸۷)، "چهره متغیر امنیت ملی"، ترجمه و انتشار پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ ۲
- نقیب زاده، احمد(۱۳۹۶)، "درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی"، تهران، انتشارات سمت
- هور، استوارت(۱۳۸۹)، "بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ"، ترجمه مسعود آریایی نیا، تهران، انتشارات سروش.

- Acholonu, Regina(2011): **Mass media and cultural imperialism: The African experience** ; Article · December ;www.researchgate.net/publication/311245649PP2-10
- Anna Reynolds(2016). **Social media as a tool of hybrid warfare prepared by the nato strategic communications-centre of excellence isbn 978-9934-8582-6-0** - May
- Assa, Haim(2011) , **Cyberspace and its effect on cultural-political and social processes**, Printed in Tel Aviv University, Tel Aviv, Israel, 2011-PP3-22
- Baezner, Marie& Robin, Patrice(2017): **Hotspot Analysis Stuxnet.Center for Security Studies Zürich**, October , Version 1,PP1-16
- Berman, Ilan (2017): **The Iranian Cyber Threat- U.S. House of Representatives Committee on Homeland Security Subcommittee on Cybersecurity**, Infrastructure Protection, and Security Technologies- March 20
- Chitsaz ,Mohammad Javad & Hosseini Moghaddam, Mohammad(2018):**Religiosity and Cyberspace: A Meta-Analysis on the Studies of Religion and Cyberspace** , "Journal of Cyberspace Studies",Volume 2 ,No. 2 July , pp 205-228
- Cilluffo, Frank(2013): **Cyber Threats from China, Russia and Iran: Director. Homeland Security Policy Institute, Co-Director, Cyber Center for National and Economic Security**The George Washington University
- Dabashi, H.(201۲)"**the Green Movement and the USA: The Fox and the Paradox**", Zed books, London
- David E. Sanger and Mark Mazzettefeb(2016), U.S. Had Cyberattack Plan if Iran Nuclear Dispute Led to Conflict: **the New York Times**. FEB- 16
- Ebrahimi, Nabiullah (1392), "**New Salafism and globalization of Middle East security**", Tehran, Strategic Studies Institute.(in persian)

- Eisenstad, Michael (2016) :Iran's Lengthening Cyber Shadow ؛**The Washington Institute for Near East Policy**، No. 34 ، Jul y ، PP 1-23
- Felix Tusa(2013)"How Social Media Can Shape a Protest Movement: The Cases of Egypt in 2011 and Iran in 2009"، **Arab Media and Society** (Issue 17, Winter .2013)University of Gothenburg Department of Applied Information Technology Gothenburg, Sweden, May .PP1-19
- Giroux, A.H.(20۱۱)"The Iranian Uprisings and the challenge of the new media:rethinking the politics of Representation"،**Fast Capitalism**, Vol. 5, No. 2.pages 2-8
- Gladwell, M.(201۳), "Small Change: Why the revolution will not be tweeted"، **The New Yorker**,4 October. PP 4-14
- Infrastructure Cyber Center for National and Economic Security **The George Washington University** March 20, PP1-14
- Kandell ,Shannon (2018): Iranian Cyber warfare:State repression and international retaliation : **New York University's Gallatin School of Individualized Study**- November,PP 1-18
- Karimi ,*Sedigheh* (2015): Iranian Women's Identity and Cyberspace: Case study of Stealthy Freedom.**Journal of Social Science Studies** ISSN 2329-9150 -, Vol. 2, No. 1-PP221-233
- Khansari ,Mohammad (2018):138Actions to govern Cyber Space in Iran: Department of Economic and Social Affairs<http://www.intgovforum.org/multilingual/content/igf-wsiran>
- Lim, M & Kann, M.(2008)."**Politics: Deliberation, Mobilization and Networked Practices of Agitation**", in K, Varnelis, *Networked Publics*, Cambridge: MIT Press
- Matmadinejad, Kazem (1393), "**International Communication** (Vol. I)", Tehran, Payame Noor University Press.(in persian)
- Melevin, D.Florur-ort A.dennis (1392), "**Recognition of Mass Communication**", Translated by Sirus Moradi, Tehran, Publication of the Faculty of Radio and Television, Third Edition.(in persian)
- Meyer,John P(2018):Globalization and Cultural Imperialism: Corporate Control versus Responsiveness.**Journal of International Business and Economy** .PP 113-136
- Moghanizadeh ,Somayeh (2013)."**The role of social media in Iran's Green Movement**" ، University of Gothenburg ،Department of Applied Information Technology Gothenburg, Sweden, May .Movement.**Master of Communication Thesis** . Report No. 2013:093 .PP 2-33
- Pakistan defence forum-Discussion in'Middle **East & Africa'** Jul 8, 2016
- Perez, Maykel(2016): an approach to main discourses and criticisms {accessible [http://web.msu.ac.zw/elearning/material/1343321329Cultural Imperialism.pdf](http://web.msu.ac.zw/elearning/material/1343321329Cultural%20Imperialism.pdf)v-۲
- Rahaghi, J.(2012)"New Tools, Old Goals: Comparing the Role Of Technology in the 1979 Iranian Revoulution and the 2009 Green Movement"، **Journal of Information Policy**, vol.2, PP 151-182
- Rahimi, Babak (2013): Cyberdissent ؛The internet in revolutionary iran - **Middle East Review of International Affairs** - Volume 7, No. 3 - September

قدرت نرم و سایبری؛ کارکرد آن در جمهوری اسلامی ایران ۱۶۵

- Shirky, C(20۱۱), "**Here Comes everybody: the power of organizing without organizations**" , Publisher: The Penguin Press HC.
- Shirky, C.(2011,.)"The Political Power of Social Media", **Foreign Affairs**, Vol. 90, Issue 1 .PP 1-9
- Siboni ,Gabi& Kronenfeld ,Sami (2014) :Developments in Iranian Cyber Warfare: **Military and Strategic Affairs** 6, no. 2: PP83-104
- Siboni, Gabi &Kronenfeld ,Sami(2012):Iran and Cyberspace Warfare:**Military and Strategic Affairs**. Volume 4 ، No. 3 ، December ، PP77-99
- Sohrabi Haghighat ,Mohammad Hadi (2016):New Media and Social-political Change in Iran-**CyberOrient**, Vol. 5, Iss. 1, 2016- published by the American Anthropological Associationand the Faculty of Arts of Charles University
- Sreberny, A & Khiabany, G.(20۱۲), "The Internet in Iran:The Battle over an Emerging Virtual Public Sphere", in G Goggin and McLelland (ed.), **Internationalizing Internet Studies: Beyond Anglophone Paradigms**, Routledge, New York, p. ix.